

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۴

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۲

نگاهی به فلسفه تربیتی انتظار موعود در رویکرد شیعی با تأکید بر اهداف تربیتی

محمد نجفی، * فاطمه هاشمی *

سمیه کیانی، *** حسین رجایی راد ***

چکیده

مهدویت و انتظار در رویکرد شیعی، تنها ناظر به آینده نیست؛ بلکه مکتبی تربیتی برای انسان معاصر است و به عنوان نظام تربیتی، اهداف، اصول و روش های خاصی دارد. این نوشتار، با هدف واکاوی و بازشناسی اهداف نظام تربیتی انتظار از میان روایات و معارف مهدوی با استفاده از منابع کتابخانه ای و به روش تحلیلی - توصیفی نگاشته شده است. از آن جا که آماده نبودن نفوس بشری برای پذیرش ولایت ائمه اطهار علیهم السلام از عوامل غیبت به شمار می رود، انتظار به عنوان موهبتی الهی، برای رهایی از محرومیت ناشی از غیبت، درصدد تصحیح ارتباط آدمی با خلیفه الهی است؛ از این رو اهداف تربیتی متمرکز بر موضوع امامت و شامل معرفت و حب امام و اطاعت از اوست که هر یک به اهداف غایی همچون معرفت الهی، حب الهی و عبودیت و تقوای الهی می انجامند. همچنین برخی اهداف جزئی و واسطی نیز در این میان مطرح شده اند که عبارتند از خودشناسی، دشمن شناسی، شناخت طبیعت، حب خویشتن، تولی و تبری و حب تمام موجودات، تحقق وحدت خویشتن، تنظیم روابط با انسان های دیگر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بهره مندی صحیح از طبیعت.

واژگان کلیدی

حضرت ولی عصر علیه السلام، نظام تربیتی، انتظار، نظام مهدوی، اهداف تربیتی.

* استاد یار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان. (نویسنده مسئول) (taha313110313@gmail.com)

*** کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.

**** مهندس مکانیک.

مقدمه

آموزه مهدویت و انتظار در رویکرد اسلامی - شیعی، اندیشه‌ای فراگیر، با سابقه و نقطه اوج تعالی بشری است. این آموزه بهترین و کامل‌ترین شیوه‌ها را برای نیل به زندگی متعالی و حیات طیبه انسان و جامعه انسانی - اعم از مادی و معنوی - تصویر و ترسیم کرده است. انتظار در معارف شیعی امری صرفاً ناظر به آینده نیست، بلکه دارای جامعیت تاریخی است و می‌تواند تمام ابعاد زندگی انسان معاصر را تحت الشعاع قرار دهد و او را به سمت سعادت واقعی رهنمون شود.

در آموزه مهدویت و انتظار شیعی، انسان موجودی است که مبدأ و مقصد خدایی دارد. او بخشی از نظام هستی و در ارتباط با کل نظام هستی است و اهداف، اصول و شیوه‌های تربیتی نظام انتظار، بر اساس این نگرش نسبت به انسان تعریف و تبیین می‌شود. نظام تربیتی انتظار شیعی و آموزه‌های مهدوی در حقیقت احیا، تکرار و تداوم آموزه‌های محمدی و علوی است. بنابراین می‌توان با توجه و تدبیر در آیات قرآن و روایات نبوی و فرمایشات ائمه هدی علیهم‌السلام به چشم انداز روشنی درباره نظام تربیتی مهدوی دست یافت و اهداف، اصول و شیوه‌های تربیتی انتظار را استنتاج کرد. در این راستا نوشتار حاضر به دنبال استخراج و معرفی اهداف نظام تربیتی انتظار موعود از میان روایات و معارف مهدوی است. هدف، در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد (شکوهی، ۱۳۶۸: ۵۹). از آن جا که موضوع غیبت به عدم شناخت و نادرستی ارتباط با امام و حجت خدا مربوط می‌شود، اهداف تربیتی انتظار بر این حوزه متمرکز هستند و چون هر امر تربیتی دارای سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری است، این نوشتار اهداف را در سه محور اصلی دسته‌بندی می‌کند که البته هر محور خود مقدمه‌ای برای هدف والاتری بوده، اهداف جزئی و واسطی را نیز دربر می‌گیرد.

فلسفه انتظار و اهداف تربیتی

برای تعیین مبنایی برای هر بحث، ضروری است در گام نخست، مفاهیم بستر ساز آن بحث تبیین گردد تا بر اساس آن، سایر مسائل طرح و بررسی شوند. برای بحث درباره انتظار، بازشناسی مفهوم غیبت، ماهیت و چیستی ظهور، از ضروریات است. اعتقاد به غیبت امام از واجبات اعتقاد به مهدویت است، اما به شرط آن که این اعتقاد، صحیح و اصولی باشد نه این که مفهوم رها شدگی انسان و پیوند نداشتن با حجت الهی را به او القا کند. اعتقاد صحیح به غیبت می‌تواند در انسان، انرژی، تحرک و عشق و شوق ارتباط با امام غایب را ایجاد نماید.

غیبت امام زمان علیه السلام غیبت شخصیت اوست نه غیبت شخص او، و امری معرفتی است نه وجودی. در آموزه‌های دینی، تأکید شده که ایشان در جامعه و در میان مردم زندگی می‌کنند؛ مردم امامشان را نمی‌یابند، اما او در مواقع حج حاضر می‌شود؛ او مردم را می‌بیند ولی مردم او را نمی‌بینند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۲۴). شخص او در میان مردم دیده می‌شود، اما شخصیت او پنهان است. پس غیبت امام به معنای زندگی ایشان در یک جهان ماوراء نیست، بلکه وصف غایب درباره وجود مبارک امام به سبب محرومیت جامعه انسانی از درک محضر ایشان است که این امر، خود از مراتب پایین معرفتی مردم به جایگاه و شخصیت امام زمان علیه السلام نشأت می‌گیرد.

حکمت غم‌انگیز برای غیبت امام زمان، تأدیب خلق و تهذیب جامعه است به معنای حقیقی، یا به معنای غم‌انگیز آن محرومیت جامعه است آن هم به لحاظ تجربه تاریخی بشر و سابقه‌ای که انسان‌ها از خود نشان داده‌اند (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۳۹). اگرچه غیبت ظاهراً یک محرومیت است، اما در حقیقت هشدار و بیدارباشی برای رهانیدن انسان از جهل مرکبش درباره مقام امام و تصحیح ارتباط با حجت خداست؛ زیرا آن‌گاه که افراد، سعادت زیارت و شناخت جسمی امام را داشتند نیز از شناخت حقیقت امام غافل بودند و بهره لازم را از وجود ایشان کسب نمی‌کردند. از این رو خداوند منان غیبت را مقدر فرمود تا تعادل و آرامش توهمی افراد متزلزل شود و انسان‌ها بر اثر این فقدان ظاهری به تکاپو و تلاش برخیزند و بدین ترتیب موهبت انتظار در جان مؤمنان شکوفا شود. با توجه به احادیث مربوط به ظهور می‌توان دریافت که ظهور، امری است که افزون بر خواست الهی، اراده انسان و جامعه انسانی نیز در تحقق آن مؤثر است و تا زمانی که انسان و جامعه انسانی قابلیت لازم را احراز نکنند، رخ نمی‌دهد و همین اعتقاد به عاملیت انسانی است که انتظار شیعی را از حالت انفعالی خارج کرده و به فرهنگی پویا مبدل می‌کند. اهداف انتظار با توجه به مباحث فوق در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری قرار می‌گیرند.

۱. معرفت

هر فعالیتی که از انسان صادر می‌شود تحت نفوذ سه حوزه برجسته ادراک و معرفت، احساسات و عواطف، گرایش‌ها و رفتار قرار می‌گیرد. این سه حوزه در تلازم و تعامل جدی با یکدیگرند، به گونه‌ای که احساسات و عواطف تحت الشعاع معرفت، و گرایش‌ها و رفتارها تابع احساسات و عواطف فرد هستند و سرسلسله جنبان همه این امور، معرفت انسان است. انگیزه که اصلی‌ترین عامل تمام فعالیت‌های انسان است، برآمده از معرفت اوست و هرچه معرفت

صحیح تر و عالی تر باشد، انگیزه نیز متعالی تر خواهد بود. اساساً هر فعالیتی که از انسان سر می‌زند به شرطی استکمالی است که با معرفت همراه باشد. حضرت علی علیه السلام درباره ضرورت معرفت برای هر حرکتی می‌فرماید:

يَا كُمَيْلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاَجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ (حرانی، ۱۴۲: ۱۷۱)

انسان در طول انجام هر فعالیتی نیازمند معرفت است. هم برای شروع درست، هم برای تداوم و هم برای سرانجام و نتیجه نیک، معرفت ضرورت دارد. پس زندگی انسان مؤمن باید بر اساس علم و منطق و بصیرت باشد و این شناخت و آگاهی و بصیرت، هم جنبه نظری و هم جنبه عملی را دربر می‌گیرد؛ یعنی انسان برای اتخاذ هر عقیده و انجام و ترک هر عمل، باید بر اساس شناخت و بصیرت عمل کند و حتی در تفسیر و تحلیل‌ها و انتقاد و تمجید نیز علم و آگاهی را سرلوحه عمل خویش قرار دهد و از بیان مطالب بی‌دلیل و برهان یا تقلید کورکورانه و قضاوت‌های عجولانه بپرهیزد. اساساً حالت انتظار در وجود فرد، ناشی از بصیرت و روشن بینی اوست که امکان فهم و درک کاستی‌ها و فروبستگی‌های موجود را برایش فراهم می‌آورد. در همین باره امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

ای ابو خالد، به درستی که اهل زمان غیبت او، که امامتش را باور دارند و منتظر ظهورش هستند، از مردم همه زمان‌ها بهترند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی آن چنان عقل و فهم و شناختی به آنان عنایت کرده که غیبت در نزدشان، همچون دیدن باشد و آنان را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده است که در پیشگاه رسول خدا با شمشیر جهاد کرده‌اند؛ آنان به حق مخلصانند و شیعیان واقعی ما و دعوت‌کنندگان به دین خدا در پنهان و آشکار هستند. (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۱۹)

انتظار شیعی نیز به مبانی اعتقادی فرد نظر دارد و متکی بر اصول و ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی است. معرفت و آگاهی که اساسی‌ترین پایه انتظار به شمار می‌رود، از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است.

الف) معرفت امام

از جمله اهداف والای تربیتی مکتب انتظار، معرفت امام عصر علیه السلام است. این امر چنان اهمیت والایی دارد که نبی مکرم اسلام معرفت نداشتن به امام زمان علیه السلام را مساوی با مرگ جاهلی می‌داند و از آن جا که آدمی آن‌گونه می‌میرد که زیسته است، پس حیات چنین کسی نیز حیات جاهلانه و غیرمعقول خواهد بود.

معرفت امام دو وجه دارد: یکی شناخت شخص امام، و دیگری شناخت شخصیت و مقام

امام. شناخت شخص امام یعنی دانستن این‌که امام موعود، فرزند امام حسن عسکری از نسل امام حسین علیه السلام و سلاله حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که خود این شناخت به ظاهر شناسنامه‌ای مانع از بسیاری انحرافات، گمراهی‌ها و سردرگمی‌ها می‌شود؛ زیرا موعود و حجت الهی در رویکرد شیعی، موعود و حجت شخصی است و نه موعود نوعی. معرفت به شخصیت و مقام امام، یعنی تلاش برای شناخت منزلت و جایگاه امام در هستی و درک وابستگی هستی به وجود امام و نیز شناخت اهداف و آرمان‌های ایشان. این نوع معرفت، عاملی برای حفظ و تقویت حالت انتظار در وجود انسان است. با این دیدگاه، می‌توان به مفهوم حدیث شریفی - که امامان علیهم السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند - پی برد که می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۱۶۰۰۵)

کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

مقصود از شناخت در این حدیث، شناخت حقیقت وجود امام است. در حدیث مزبور، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از واژه «لم یعرف» استفاده کرده‌اند که به امر معرفت اشاره دارد و فراتر از علم و آگاهی سطحی است. علم تا در اعماق وجود انسان راه نیابد نمی‌تواند عواطف، اراده و رفتار انسان را تحت الشعاع قرار دهد. تجربه تاریخ اسلام به روشنی بیانگر آن است که شناخت صوری و ظاهری نمی‌تواند تأثیر چندانی در موضع‌گیری افراد نسبت به امام داشته باشد، همچنان که همه کسانی که به جنگ امام حسین علیه السلام آمده بودند، به خود امام و اصل و نسب او علم کامل داشتند و امام حسین علیه السلام در این مورد از آنان اعتراف گرفتند. بنابراین معرفت و شناخت عرفانی نسبت به امام تنها امری ذهنی و فکری نیست؛ بلکه امری وجدانی و شهودی است که در اعماق وجود انسان اثر می‌کند. معرفت امام زمان علیه السلام یعنی ادراک و شهود حضور دائمی حضرت که این شهود بی‌وقفه ادامه داشته باشد. وقتی انسان به چنین معرفتی نایل شود، دیگر غیبت مفهومی ندارد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در تبیین راه شناخت امام می‌فرمایند: «اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولَ بِالرِّسَالَةِ وَ أُولِي الْأَمْرِ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ خدا را با الوهیتش بشناسید و رسول را با رسالتش و اولی الامر (امام) را با امر به معروف و عدل و احسان...». ویژگی امام، عمل به معروف و برپا ساختن عدل و احسان است. آن کس که امام را به ولی الله، خلیفه الله، انسان کامل معصوم و آن‌که اطاعتش از سوی خداوند واجب شمرده است، بشناسد و بداند که امام، زنده و حاضر است و اعمال ما را می‌بیند و در قیامت صاحب مقام شفاعت است، از برکات و آثار بی‌نظیر معرفت امام بهره‌مند می‌شود و به کمال زندگی معقول بار یافته و از نقصان مرگ

جاهلی می‌رهد. در وصول به قلۀ رفیع این شناخت و ادراک، سخن نورانی حضرت علی علیه السلام شناخت منکر و معرفت به معروف، ضروری می‌نماید. در مثلث مبارک و خجسته‌ای که امیر مؤمنان ترسیم فرمودند، آن که تنها امر و نهی می‌کند و خویش را تافته‌ای جدا بافته می‌پندارد امام نیست، بلکه امام آن است که سیرتش را معروف، سنتش را عدل و سریرتش را احسان تأمین کند. آن که امام را با این سنت علمی و عملی بشناسد، به او اقتدا کرده و مأموم او می‌شود. چنین امام‌شناس ولایت‌مداری به معرفت امام و ولیّ خدا بار می‌یابد و نیز شهود می‌کند که سریرت امامتش جز معروف نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۳ - ۴۶).

اگرچه معرفت امام، مقدمۀ معرفت الهی است، اما خود این معرفت ریشه در شناخت خدای سبحان و مقام نبوت دارد. معرفت، مراحل و مراتبی دارد که سبب می‌شود انتظار مبتنی بر آن نیز دارای مراتب باشد. از جمله اجزای شناخت امام عصر علیه السلام شناخت برنامه‌های ایشان است. با شناخت برنامه‌ها و آرمان‌های امام، نوع نگرش انسان به حاکمیت‌های موجود تصحیح می‌شود و انسان معیار و ملاکی برای تمیز بین حکومت‌ها به دست می‌آورد و بازتاب عقلی این شناخت سبب می‌شود انسان منتظر، برنامه‌ها و اهداف زندگی خود را همسو با اهداف آرمان‌شهر مهدوی تنظیم کند و به آن حاکمیت نزدیک‌تر شود تا در صورت درک ایام نورانی ظهور، با مشی و مرام امام انطباق یابد. محورهای اساسی حکومت امام زمان علیه السلام با توجه به روایات عبارتند از: ۱. برپایی توحید و عبودیت الهی؛ ۲. شکوفایی علوم و عقول؛ ۳. گسترش عدالت؛ ۴. برقراری امنیت؛ ۵. فقرزدایی.

ب) معرفت الهی

غایت و هدف نهایی از شناخت امام، شناخت مقام ربوبیت حضرت رحمان است. در بینش شیعی، معرفت امام عصر بهترین و در حقیقت تنها راه دستیابی به معرفت الله است. امام حسین علیه السلام ضمن بیان فلسفۀ آفرینش انسان، چگونگی معرفت الهی را چنین تبیین می‌فرماید: ای مردم، همانا خدا - که بزرگ باد یاد او - بندگان خود را نیافریده، مگر برای این که به او معرفت پیدا کنند؛ پس هرگاه او را بشناسند، او را بپرستند و هرگاه او را بپرستند با عبودیت او، از بندگی هرآن چه جز خداست، بی‌نیاز گردند. مردی سؤال می‌کند: معرفت خدا چیست؟ امام می‌فرماید: این است که اهل هر زمانی، امامی را که باید از او فرمان برند، بشناسند. (گروه حدیث، ۱۳۸۷: ۶۰۸)

پس معرفت امام زمان علیه السلام باب معرفت الهی است؛ چرا که امام معصوم، خلیفۀ خدا و مظهر همه اسماء و صفات الهی است و امروز حضرت مهدی امام واجب‌الاطاعة زمان است و چون

ائمه هدی از جمله حضرت ولی عصر در اوج معرفت الهی هستند، با معرفت به مقام ایشان و اتصال و پیوند با آن حضرت می توان به طریق معرفت راه یافت. از جمله اهداف اصلی ایشان در زمان ظهور، گسترش معرفت الهی در اجتماع انسان ها و فراهم کردن معرفت و یقین به ربوبیت الهی است.

برقراری حکومت اسلامی و گستراندن عدل در روی زمین به دست توانای حضرت ولی عصر علیه السلام خود مقدمه ای برای تأمین هدف والاتری است و آن این که زمینه ای فراهم شود تا بیشتر انسان ها بتوانند به مراتب معرفت لایق برسند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۲۰). مکتب تربیتی انتظار نیز والاترین هدف خود را به واسطه آموزه های ناب مهدوی، معرفت الهی قرار داده است، همچنان که هدف اصلی قیام امام زمان علیه السلام ایجاد معرفت صحیح و خالی از ابهام نسبت به ذات باری تعالی در مدینه فاضله جهانی مهدوی است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم قیام کند، هیچ جایی از زمین باقی نمی ماند مگر این که آوای توحید و خداشناسی و پذیرش رسالت پیامبر در آن بلند است. (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۲۷)

ائمه هدی از جمله حضرت ولی عصر بهتر و بیشتر از هر کس دیگری خدا را می شناسند و بالاترین مظاهر اسماء و صفات الهی هستند. از این رو هر کس دنبال شناخت راستین خداست، باید در مکتب ائمه معصوم از جمله امام زمان تلمذ نماید. همچنان که در زیارت جامعه کبیره، آن بزرگواران «محال معرفه الله» خوانده شده اند؛ یعنی آنان بهترین محل تجلی و مجلای شهود و عرفان حق تعالی هستند. در عصر کنونی حضرت مهدی علیه السلام - که حجت خداست - می تواند دست طالبان معرفت الهی را گرفته با «ایصال الی المطلوب» از مسیر درست، آنان را به معرفت الهی نایل گرداند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

به سبب ما، خدا بندگی می شود و به وسیله ما خدا شناخته می شود. و از طریق ما، توحید خداوند متعال تحقق می یابد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم واسطه خدای متعال است. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۱۴۵)

ج) خودشناسی

از جمله مهم ترین اهداف تربیتی در مکتب انتظار شناخت خویشتن است؛ چرا که هر کس حقیقت خویش و ارزش گوهر وجودی خود را به درستی بشناسد، آن را به بهای اندک نمی فروشد. تأکیدهای فراوان در قرآن درباره انسان، برای این است که انسان خویشتن را

آن چنان که هست بشناسد و مقام و مرتبه خود را در عالم وجود درک کند و هدف از این همه تأکید بر ضرورت شناخت و درک خود، رسیدن به مقام والایی است که انسان شایسته و درخور آن است. شهید مطهری می‌فرماید:

سیر هدایت در قرآن به گونه‌ای است که انسان خود را کشف کند این «خود»، خود شناسنامه‌ای نیست؛ این «خود» همان چیزی است که «روح الهی» نامیده می‌شود و با شناختن آن، انسان احساس شرافت و کرامت و تعالی می‌کند و خویش را از تن دادن به پستی‌ها برتر می‌شمارد، به قداست خویش پی می‌برد، مقدمات اخلاقی و اجتماعی برایش ارزش و معنا پیدا می‌کند. (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۷)

این همه تأکید بر خودشناسی از آن روست که اصولاً فهم هر موضوعی مبتنی بر معرفتی است که فرد از خود دارد. تا زمانی که انسان در هستی شناختی دچار خودمحوری باشد و خود را محور هستی بداند نه خدای سبحان را، امام نیز در زندگی او نقش و جایگاهی ندارد. امام در جامعه‌ای می‌تواند حکومت کند که میزان آن توحید و خواست الهی باشد نه امیال و خواسته‌های انسانی. پس انسان باید چیزهای دیگری را احساس کند و فطریات خود را تمنا کند تا آماده و پذیرای وجود امام و اطاعت از او باشد. اگر انسان خود را به درستی بشناسد، جای خالی ولایت و واسطه برای نیل به جایگاه حقیقی خود را احساس خواهد کرد. همچنین متقابلاً معرفت به مقام امام و انسان کامل نوع نگرش انسان را نسبت به خودش، تحت الشعاع قرار می‌دهد و موجب بازنگری انسان نسبت به خود و قابلیت‌های وجودی اش می‌شود. این نوع خودشناسی، انسان را از خودمحوری شناختی بیرون می‌آورد تا در حد اطلاعات موجود، در مدار فردی خود محدود نشود و از پنجره‌ای دیگر به شناخت عالم و خود بپردازد. این شناخت امکان بازشناسی تحریفات و انحرافات شناختی فرد را فراهم کرده، موجب ارزیابی نفس و شناسایی استعدادها و نیازهای وجودی فرد می‌شود و زمینه انقیاد و تسلیم فرد را در برابر ولی خدا فراهم می‌نماید. همچنین مذاقه در امر غیبت و حکمت‌های مترتب بر آن و ماهیت ظهور فرد منتظر را متوجه نقش و جایگاهی که در زندگی و به‌ویژه در دوران انتظار و زمینه‌سازی برای ظهور دارد می‌کند.

د) دشمن‌شناسی

از جمله ضروریات دوران غیبت و استقامت بر صراط انتظار، تشخیص دوست از دشمن یا شناخت دشمن است. از جمله اهداف تربیتی انتظار - که شاید بیشتر جنبه سیاسی داشته باشد، اما حتی در ارتباط انسان با خودش نیز مطرح می‌شود - رسیدن به بینش و بصیرتی در زمینه

دشمن‌شناسی است. با توجه به آیه ۶۰ سوره یس، خداوند در روز الست آن‌گاه که درباره پذیرش ربوبیت خود و ولایت اولیایش از انسان پیمان می‌گیرد، بینش و شناختی از دشمن قسم خورده انسان نیز به او عطا می‌کند و از او تعهد می‌گیرد که با شیطان و ابلیس همراهی نکند. گرچه این آیه بیشتر درباره دشمن ایمانی است، اما به طور کلی، دشمن‌شناسی از جایگاه مهمی در منظر قرآن برخوردار است و اصل دشمن‌شناسی و مبارزه با دشمن، اصلی دائمی است که در تمام ادوار ضرورت دارد. در قرآن به انواع دشمنان (شیطان، کفار، طاغوت، منافقین و مشرکین) و مراتب دشمنی آن‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد هر کدام اشاره شده است. خصومت دشمنان همواره شکل ثابتی ندارد. از این رو شناخت اهداف و شیوه‌های عملکرد دشمنان از ضروریات انتظار اصولی و صحیح است؛ به ویژه از آن جهت که مهدویت و انتظار دارای بالاترین میزان توانمندی در ایجاد مقاومت و توان مبارزه در شیعیان با دشمنان است، دشمنان نیز از همه ابزارها و شیوه‌ها و ترفندهای خود برای خنثی کردن این آموزه استفاده می‌کنند. از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم همچون انکار، تخریب، تحریف، تضعیف و جایگزین‌سازی یا ایجاد شبهه، اتهام‌آرادی و غیراسلامی بودن مهدویت و انتظار، ایجاد بحران‌های سیاسی و اقتصادی، معرفی دموکراسی لیبرال به عنوان تنها راه نجات بشر و مسخ و تهی‌سازی انتظار، استفاده از ابزارهایی همچون سینما و بازی‌های رایانه‌ای و تبلیغ منفی نامحسوس، فروکاستن انتظار به محسوسات (ملاقات‌گرایی) و... استفاده می‌کنند. نکته حائز اهمیت این است که دشمن در چنین دوره و موضوع حساسی غالباً با چهره واقعی خود ظاهر نمی‌شود، بلکه در شکل و ظاهر مؤمنان به مهدویت و مدعیان انتظار، در میان منتظران حقیقی نفوذ کرده و در صورت مشاهده عدم قدرت تمییز و تشخیص و با استفاده از کم‌معرفتی و ضعف عقل ولایی، ضربات خود را وارد خواهد کرد. بنابراین تقویت بینش و بصیرت در زمینه دشمن‌شناسی و شناخت تاکتیک‌ها و تکنیک‌های دشمنان و راهکارهای مبارزه با هریک از ترفندهای دشمنان از اهداف تربیتی مکتب انتظار است.

هـ) شناخت طبیعت

انسان تا طبیعت و محیط پیرامونش را به درستی نشناسد نمی‌تواند با آن تعامل درستی برقرار کند و از آن بهره‌مند شود. از این رو باید روحیه جست‌وجو و اندیشه در آدمی ایجاد و تقویت شود و تشویق افراد به سیر در طبیعت و تحقیق و ابداع و ابتکار و کسب تخصص‌های لازم و استفاده از امکانات موجود در طبیعت در سرلوحه برنامه‌های تربیتی قرار گیرد. در فرهنگ اسلامی شناخت طبیعت و قوانین حاکم بر آن، مقدمه‌ای برای شناخت ذات باری تعالی و

افزایش توانمندی انسان برای بهره‌برداری درست از طبیعت و منابع طبیعی برای عبودیت و بندگی به پیشگاه الهی است. از نظر هستی‌شناسی اسلامی - مهدوی، همه موجودات جهان دارای حیات، شعور و علم هستند و وجود خود و کمبودهای وجودی خویش را ادراک و اظهار می‌کنند و به تسبیح ربّ العالمین می‌پردازند، هرچند که بسیاری از انسان‌ها تسبیح آن‌ها را ادراک نمی‌کنند (اسرا: ۴۴). همچنین بسیاری از روایات به محبت و ارتباط دوسویه اجزای عالم با ولیّ خدا تأکید دارند و شرط آفرینش موجودات را پذیرش ولایت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام معرفی کرده‌اند. هر موجودی پیش از آن‌که به خود تعلق داشته باشد، ملک و قلمرو تصرف و ولایت ولیّ الله خواهد بود. هر موجودی در مرتبه نخست و اصیل، از آن انسان کامل است و در مرتبه دوم و عرض به خود تعلق دارد (علی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۱). شناختی که به عنوان هدف تربیتی در زمینه طبیعت در مکتب انتظار مطرح است، چنین شناختی است که همه موجودات دارای شعور و سربازان امام زمان علیه‌السلام هستند و این شناخت مستلزم بازشدن دریچه‌های ضمیر انسان به سوی عالم ملکوت است که خود به صفای باطن نیاز دارد. مولانا این موضوع را چنین بازگو می‌کند:

محرم جان جمادان کی شوید چون شما سوی جمادی می‌روید
از جمادی در جهان جان روید غلغل اجزای عالم بشنوید

از جمله ویژگی‌های نظام مهدوی، افزایش معرفت و دانش نسبت به جهان و طبیعت است که این معرفت و شناخت، انسان را به معرفت الهی رهنمون می‌شود. حضرت علی علیه‌السلام درباره شناخت گسترده طبیعت و بهره‌مندی کامل از آن توسط حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرماید:

برای او (حضرت مهدی) آن‌چه در اعماق زمین است، خارج می‌شود و همه امکانات خود را برای او [به سبب شناخت طبیعت] ظاهر می‌سازد. (شریف‌رضی، ۱۳۷۹: ۴۲۵)

منتظران نیز باید مطابق با آرمان‌های جامعه مهدوی، در شناخت و کشف قوانین طبیعت کوشا بوده، بر اساس این شناخت به تعامل عادلانه و صحیح با طبیعت بپردازند و از مواهب و نیروهای موجود در آن برای ارتقای مادی و معنوی مؤمنان بهره‌گیرند.

۲. محبت

عالم هستی سراسر اتصال و ارتباط است و با تیزبینی عارفانه می‌توان عطوفت و مهربانی را در جای‌جای عالم دید و عطر خوش عشق و محبت را از تمام عالم استشمام کرد. این دلبستگی که در ذات اشیا نهفته است، هم نسبت به خالق و هم نسبت به دیگر مخلوقات

است. عشق به خالق و پروردگار جهان، همواره با احساس فقر و ادراک نقص و وابستگی همراه است. آیه ۵۴ سوره مائده، حبی دوسویه میان پروردگار و خلائق را به تصویر می‌کشد؛ نوعی حب ایجاد می‌کند در سیر نزولی و سریان حب در هستی، و محبتی که در سیر صعودی از ذرات و اشیا به خالق خویش بازگشت می‌کند. ویژگی محبت همانند سایر اجزای عالم در وجود انسان نیز دارای منشأ تکوینی است. اما آن چه در این میان اهمیت ویژه دارد، کیستی و ارزش و شخصیت محبوب است که می‌تواند انسان را به عرصه تکامل و تعالی و اتصال به مبدأ حب حقیقی وارد کند، یا او را در رکود و ایستایی و تنزل قهقرایی قرار داده، موجب انفصال انسان از مبدأ عشق حقیقی گردد.

الف) محبت به امام

محبت اهل بیت علیهم‌السلام چنان جایگاه رفیعی دارد که امام صادق علیه‌السلام آن را اساس اسلام دانسته است:

لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۴۶)

همچنین می‌فرماید:

بالاتر از هر عبادتی، عبادتی است، و محبت ما اهل بیت برترین عبادات است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۷، ۹۱)

از آن جا که انسان کامل، حامل اسماء و صفات و مظهر اسم جامع است - که تمام جمال و جلال را ظهور و انعکاس می‌دهد - و با توجه به واسطه فیض بودن ایشان، در سریان دوسویه محبت بین خالق و مخلوق نیز او واسطه است. غایت حب در سیر صعودی قرب الهی در حد فناء فی الله است و مظهر حق از آن جهت که تمام مراتب کمال را دارد، در حق فانی شده و کثرات با فانی شدن در آن حضرت می‌توانند به مقام قرب حق نایل آیند. ایمان حقیقی با ولایت رسول خدا شروع و با محبت و ولایت حضرت ولی عصر کامل می‌شود. از این رو بدون محبت و ولایت امام زمان علیه‌السلام نمی‌توان در مراتب صعودی ایمان سیر کرد. پیامبر بزرگوار اسلام در تأکید بر اهمیت ولایت امام زمان، پس از معرفی امامان می‌فرماید:

هرکس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، ولایت حضرت حجت صاحب الزمان منتظر را بپذیرد. (همو: ج ۳۶، ۲۹۶)

محبت امام زمان علیه‌السلام از آن جهت واجب و مورد تأکید خدا و رسول است که آن حضرت در زمان کنونی واسطه فیض الهی هستند و هر چه خیر و نعمت به مخلوقات می‌رسد به یمن

وجود ایشان است؛ چنان که در دعای عدیله آمده است: «بیمنه رزق الوری». همچنین نبی مکرم اسلام ﷺ در حدیث مفصلی درباره معرفت امامان معصوم از سوی خدای متعال در شب معراج می فرماید:

حجت قائم را دیدم که همچون ستاره درخشانی در میان آن‌ها (امامان) بود. پس گفتم: پروردگارا اینان کیستند؟ فرمود: اینان امامان هستند و این، قائم است که حلال مرا حلال و حرامم را حرام می کند و از دشمنانم انتقام می گیرد. ای محمد، او را دوست بدار، که همانا من، او و هرکس او را دوست بدارد، دوست می دارم. (همو: ۲۲۳)

برای محبت امام زمان ﷺ ویژگی هایی ذکر شده است؛ از جمله:

۱. محبت و معرفت آن حضرت از محبت و معرفت امامان دیگر جدا نمی شود، ولی عکس آن چنین نیست؛
 ۲. بر اساس برخی روایات، آن حضرت پس از امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام از سایر امامان افضل است؛
 ۳. چیره شدن دین و غلبه مسلمانان بر کافران به دست آن حضرت و با ظهور آن جناب به طور کامل انجام می شود؛ این چیزی است که از نظر عقل و شرع، موجب محبت آن حضرت به طور خاص می شود (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۲۱۹ - ۲۲۰).
- بنابراین امام زمان علیه السلام افزون بر اعمال و افعال، حجت در محبت نیز هست؛ یعنی محبت به حضرت ولی عصر و پذیرش ولایت ایشان، مایه پذیرش و افاده محبت سایر ائمه علیهم السلام خواهد بود، همچنان که منکر مهدی، کافر خوانده شده است. دامنه طولانی انتظار، انگیزه ای قوی می طلبد و عشق و محبت، شایسته ترین انگیزه برای ماندن در این راه است. دلدادگی و شیدایی، اصلی ترین عامل تحرک و استقامت در مسیر به شمار می رود. مودت، درجه تکامل یافته محبت است که از معرفت نشأت گرفته و طاعت در پی دارد. بنابراین عاشق و منتظر، در اطاعت امر منتظر سر از پا نمی شناسد و این جاست که منتظر در جان منتظر تجلی می نماید و این یعنی رسیدن به هدف و حقیقت انتظار. محبت به امام آن گاه واقعی، اصیل و سازنده خواهد بود که محب نه تنها سرزمین قلب خود را از محبوب های حرام پاک کند، بلکه محبت محبوب های حلال همچون پدر و مادر و همسر و فرزندان را نیز فدای محبت امام نماید. از عوامل اکمال انتظار، علاقه مندی به آرمان های جامعه مهدوی و وضعیتی است که با ظهور آن حضرت بر انسان و زندگی او حاکم خواهد شد؛ یعنی، انسان منتظر افزون بر پذیرش علمی و اعتقادی معارف مهدوی و شرایط حکومت ایشان، عشق به تحقق آرمان های مهدوی را نیز

باید در اعماق وجود خود بپرورد؛ چراکه امام، اوضاع و شرایطی بسیار متفاوت با زندگی امروزی را برای انسان‌ها محقق خواهد ساخت تا حدی که گویا دینی جدید ارائه می‌دهد.
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

او همچون رسول خدا آن چه را که پیش از او بوده، نابود می‌کند و از نو، اسلام را آغاز می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۴)

بنابراین، ضمن تصحیح باورها بر اساس معارف قرآنی و روایات مهدوی، باید بذراشتیاق به شیوه مدیریتی و حکومتی و قضایی امام را نیز در جان و ضمیر، شکوفا کرد تا انتظار راستین محقق شود و در روز ظهور، شرمندگی و مقاومت در برابر مولا حاصل توهم انتظار نباشد. البته گنجاندن علاقه به حقایق معقول و آرمان‌های الهی مهدوی در عاطفه نازله، کاری بس دشوار است. از این رو باید عواطف رشد داده شده و تحت نظارت عقل نظری به نشئه‌ای از عقل عملی تبدیل شود تا قدرت ادراک و تحمل چنین حبی را داشته باشد؛ زیرا نمونه محسوس و عینی آن‌ها در دست نیست و تنها از راه احادیث می‌توان به نمونه‌های علمی آن دست یافت. بنابراین در همین دوران انتظار و فصل غیبت باید آموزش‌های لازم برای پذیرش و زندگی در حیات طیبه مهدوی صورت گیرد و انسان با احساس حضور امام زمان علیه السلام باید همواره بکوشد مطابق رضا و پسند ایشان عمل نماید و بیاموزد که بدون تعلقات مادی زندگی کند؛ هرچند در ظاهر نتواند زندگی بسیط و فارغ از مدرنیته داشته باشد. باید از راحت‌طلبی‌ها و رفاه، گذشت و سبک بار شد تا ذائقه انسان بتواند طعم گوارای انتظار و سپس روزگار ظهور را بچشد.
حضرت علی علیه السلام رمز رسیدن را در سبک‌باری می‌داند و می‌فرماید: «تَخَفُّوا تَلْحَقُوا» (شریف رضی، ۱۳۷۹: خ ۲۱). کسی که این‌گونه منتظر امام باشد، انتظارش او را به ولی خدا و ولایت الهی می‌رساند؛ زیرا انتظار که حسن فعلی است در وجود چنین منتظری با حسن فاعلی نیز همراه شده است.

ب) حب الهی

هدف غایی مرتبط با حب امام عصر علیه السلام حب الهی است. امام علیه السلام خود محب راستین خداوند و گذرگاه سیر صعودی کثرات در حرکت حبی است. قافله سالاری انسان کامل در حرکت حبی بر مبنای عمیق نظری همچون حاملیت اسماء الهی و واسطه فیض بودن انسان کامل مبتنی است که از حوصله بحث خارج است. آرمان حرکت حبی در سیر صعودی، فناء فی الله است و از آن جا که امام عصر علیه السلام مراتب چندگانه فنا فی افعال، صفات و ذات را گذرانده و در بالاترین مرتبه کمال در خدا فانی شده، انسان‌های دیگر با فانی شدن در ولی خدا و قرار گرفتن

در دایره ولایت عشق او و حرکت در مدار احاطه آن حضرت و با وساطت ایشان به منزلگاه معشوق حقیقی بار می یابند. اساساً ائمه اطهار علیهم السلام از آن جهت محبوب قلب مؤمنانند که عبد و برگزیده خداوند و رساننده فیض الهی به خلق هستند. آنان ابواب الهی و صراط مستقیم برای پیوند آدمیان با هستی بخش خویشند. در روایتی از ارسول مکرم صلی الله علیه و آله فلسفه وجودی محبت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام حب الهی معرفی شده است (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲: ۲۳۶).

در زیارت جامعه کبیره امامان معصوم علیهم السلام «تَأْمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ» خوانده می شوند و خطاب به آنان گفته می شود: «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ».

ج) حب و تعیین خویشتن

حب حقیقت خویشتن، از اهداف واسطی انتظار به شمار می رود. از جمله سرمایه های انسانی حب ذات است که در درون تمام انسان ها به ودیعه نهاده شده و هرکس بر اساس رشد فکری و معرفتی خود دایره علاقه مندی اش را نسبت به خویشتن ترسیم می کند. همچنان که معرفت نسبت به امام، نگرش انسان را نسبت به خودش متحول می نماید، محبت امام نیز جلوه های حب ذات را دگرگون می کند. محب امام مراتب بالاتری از وجود خود را می شناسد و مورد محبت قرار می دهد و برای سعادت و کمال بُعد اعلا می وجود خود تلاش می کند، لذا تعریفی متفاوت از خود ارائه می دهد و قابلیت های خود را به گونه ای تعیین می بخشد که او را در مسیر حب امام و آرمان های آن حضرت سوق دهد.

د) تولی و تبری

عاملیت محبت و بیزاری، یعنی میزان علاقه پیرو امام و سالک راه حق در دین باوری و دین داری، آن قدر مهم و بزرگ است که فرموده اند: «هَلِي الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ؟» این هدف بیشتر جنبه اجتماعی دارد و ارتباط منتظر را با سایر انسان ها مدنظر قرار می دهد. معرفت و حب امام شاخص ها و معیارهایی را در اختیار انسان می گذارد و عواطف او را چنان منقلب می کند که دوست دار دوست داران امام و دشمن دشمنان او می شود. تولی و تبری در کنار هم معنا پیدا می کنند؛ یعنی کسی نمی تواند ادعا کند امام و یاران او را دوست دارد، اما از دشمنان و معاندان ایشان متنفر و منزجر نباشد یا این که آن ها را نیز دوست داشته باشد.

پروردگار عالم، برای هیچ کس بیش از یک قلب قرار نداده است. از سوی دیگر می دانیم که گنجاندن دو مظهر متضاد در یک ظرف موجب فساد هر دو یا یکی از آن ها - البته آن که حساس تر است - می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۳۳۳). از این رو اگر قلب کسی سرشار از

محبت خدا و اولیای الهی شد، دیگر جایی برای محبت‌های حرام و متضاد با محبت خدا و ائمه هدی علیهم‌السلام نمی‌ماند. در زیارت جامعه کبیره محب امام، بی‌زاری خود را از دشمنان ائمه، هم‌ردیف بی‌زاری از جبت و طاغوت - که ریشه و پایه کفر بر آن‌ها استوار است - و شیاطین و حزب ظالمان قرار داده است.

هـ) علاقه به همه موجودات

از آن‌جا که انسان به‌طور طبیعی و بالاجبار با موجودات دیگری غیر از خود نیز ارتباط دارد و برای ادامه حیات در تعامل و دادوستد با آن‌هاست، در بینش مهدوی از این بخش زندگی و ارتباط او نمی‌توان غافل شد. از جمله اهداف تربیتی انتظار، معنابخشی و جهت‌دهی به عواطف و هیجانات عاطفی در ارتباط با موجودات دیگر - اعم از جماد و نبات و حیوان - است؛ چرا که عواطف، بیشترین تأثیرگذاری را بر رفتار و تعاملات انسان با جهان اطراف خود دارد. همچنان‌که معرفت به امام، نوع نگرش فرد را به طبیعت و عناصر موجود در آن متحول می‌کند، عشق و علاقه به امام با غلبه بر خودمحوری عاطفی و ارتباطی انسان منتظر، گرایش‌ها، علایق و هیجان‌های او را جهت و معنا می‌بخشد. انسان به درجه‌ای از رشد می‌رسد که بین خود و تمام اجزای هستی، نوعی پیوند احساس می‌کند و این احساس یگانگی با هستی و جدایی‌ناپذیری از آن، سبب می‌شود او آرزومند کمال همه موجودات باشد. منتظر واقعی، تمام موجودات عالم را متعلق به امام و محب او و پاور و همسوی خود در مسیر کمال شایسته دانسته و برای آن‌ها نیز حق کمال قائل می‌شود.

۳. اطاعت

اطاعت از ریشه طوع به معنای همراهی و فرمانبرداری است که نوعی خضوع و فروتنی در برابر اطاعت شونده را دربردارد. اطاعت معمولاً برآمده از معرفت و محبت نسبت به اطاعت شونده است.

برای این‌که اطاعت، جزو فضایل به‌شمار آید باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱. فرمانبردار، شرایط اطاعت را بداند؛

۲. با رغبت و اختیار فرمان ببرد؛

۳. با اعتقاد راسخ نفسانی به حسن آن، اختیارش کند؛

۴. بر آن مداومت و اصرار داشته باشد (همو: ج ۳، ۳۲۵).

در نظام هستی و مسیر زندگی انسان، یک‌سری قوانین تکوینی و یک‌سری قوانین تشریحی

وجود دارند. قوانین تکوینی، مانند قوانین حاکم بر عالم طبیعت و جسم انسان تخلف ناپذیرند و کسی امکان عدول و سرپیچی از آن‌ها را ندارد. اما قوانین تشریحی با توجه به مختار بودن انسان، تخلف پذیرند. برخی از قوانین تشریحی صادره از جانب عقل بشری برای کنترل و سامان‌دهی روابط انسان‌هاست و برخی دیگر از جانب خداوند برای او قرار داده شده است. این قوانین حکیمانه و عادلانه، افزون بر روابط بین انسان‌ها، رابطه بین انسان با خود، با طبیعت و سایر موجودات و رابطه با خدای سبحان و چگونگی تقرب به ساحت او را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد.

همه قوانین الهی منطبق بر نیازهای واقعی انسان، در راستای تکامل و براساس فطرت خدایی او بنا نهاده شده است و چنان‌که کسی فطرت خود را سالم و پاک نگه‌دارد در برابر فرامین و قوانین الهی تسلیم و خاضع خواهد بود. اطاعت، امری فراتر از عبادت است؛ زیرا ترجیح خواست اطاعت شونده بر خواست خویشتن است و عبادت اگر برآمده از اطاعت نباشد ارزش واقعی ندارد و نمی‌تواند اسباب تکامل و تعالی انسان را فراهم آورد؛ همچنان‌که عبادات چندین هزار ساله شیطان نتوانست مایه نجات او شود و او خواسته خود را به خواست خداوند ترجیح داد و بدین سبب از درگاه او رانده شد.

اطاعت محض از فرامین الهی، انسان را تا درجه‌ای از تقرب به خداوند بالا می‌برد که آثار الهی در او ظاهر می‌شود، به گونه‌ای که کار او کار خدا محسوب می‌شود. قرآن کریم اطاعت از رسول را اطاعت از خدا معرفی می‌کند (مریم: ۵۲). از آن‌جا که ائمه اطهار علیهم‌السلام انسان‌هایی کامل هستند که فطرت خود را از گرد و غبار نفسانیات به طور کامل صیانت کرده‌اند و همچنین بالاترین درجه معرفت و محبت نسبت به خدای سبحان برخوردارند، مطیع‌ترین افراد نسبت به او و مظهر تام مرتبه الهیه هستند که همه افعال پروردگار متعال، به اذن الهی از آن‌ها برمی‌آید. نفع فرمان‌برداری و زیان تمرد انسان از قوانین الهی در درجه اول متوجه خود انسان و در درجه بعد به جامعه انسانی و گاه به طبیعت اطرافش می‌رسد، اما برای ساحت کبریایی خداوند سبحان هیچ سود و زیانی ندارد.

الف) اطاعت از امام

هر امر تربیتی وقتی بروز و ظهور پیدا می‌کند که به صورت عملکرد و رفتار جلوه کند. از این رو اگر معرفت و محبت واقعی امام عصر علیه‌السلام در اندیشه و عاطفه فردی نفوذ کرده باشد، نمود آن به صورت اطاعت از امام جلوه‌گر می‌شود و این جاست که حقیقت معرفت و محبت فرد نمایان شده و می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین مهم‌ترین کارکرد محبت، اطاعت یا پیمودن

طریق محبوب است. بنا بر آیه ۳۱ سوره آل عمران، از محبتان حضرت احدیت انتظار می‌رود که از حضرت رسول و اهل بیت - که نور واحدند - پیروی کنند و از تمام توانمندی‌های خود برای اجرای فرامین و مقاصد آنان بهره‌گیرند.

گفته شد که تمام دستورات الهی برای تکامل و تعالی بشر و مطابق با فطرت الهی است. از جمله والاترین و مهم‌ترین دستورات خداوند، پیروی از رسول اکرم ﷺ و جانشینان برحق اوست. خداوند رحمان برای ارتباط خود با بندگانش دو راه ارائه فرموده؛ یک راه مستقیم که همان عبودیت و سجده و مناجات با پروردگار عالمیان است و راه دیگر - که به نوعی راه مذکور را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد و موجب مصونیت از اغوجاجات و انحرافات در آن مسیر می‌شود - طریق اتصال به ولی خدا و پیروی و اطاعت از حجت اوست. آن چه اسباب غیبت و محرومیت جامعه بشری را از حجت خدا فراهم کرد، نداشتن معرفت و در نتیجه، تخلف از فرامین حجت خدا بود. لذا از جمله اهداف تربیتی انتظار، پرورش طوع و رغبت به فرمان برداری از امام عصر ﷺ است؛ زیرا آنان مسیر و طریق الی الله و رسیدن به سعادت و آسودگی کامل و واقعی را می‌شناسند و این راه را به طور عملی پیموده‌اند.

خداوند در آیه ۳۱ سوره آل عمران، پیروی از رسول خدا ﷺ را تنها راه محبوب خدا شدن معرفی می‌کند. از این رو اگر کسی محب واقعی خدا و امام عصر است، باید از او اطاعت کند تا به مقام حبیب الله نایل آید. از آن جا که انسان کامل، ظاهر و باطن عالم را به خوبی می‌شناسد، بهترین راهنمای فرد و جامعه برای رسیدن به کمال و سعادت واقعی است. بنابراین انسان باید با انجام اعمال صالح و شایسته، با نیت تقرب به خدا و حجت او مشتاقانه عنان اندیشه، احساس و عمل خود را به دست امام داده، تابع و همراه امام شود تا مارق و زاهق نشود.

جامعه جاهل چیزی را از دست می‌دهد که مایه آرامش اوست و چیزی را جمع کرده و به آن اعتماد می‌کند و بر پایه آن خرسند است که سبب ناآرامی اوست. آن ترک ناروا و این جذب نابه‌جا اضطراب‌آور است و چنین جامعه‌ای بین دو جدار فشار دهنده و دو بند مهار کننده گرفتار می‌شود. کسی که این بندها را بشناساند، راه برون‌رفت از آن‌ها بیاموزاند و شیوه عملی آن را اراده کند انسان کامل است. حضرت ختمی امامت همانند ختمی نبوت، عهده‌دار چنین هدایتی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). برای پیروی از او امام و آشنایی با آن اوامر، تأمل و تدبر در آیات قرآن و احادیث معتبر و ادعیه ائمه اطهار علیهم‌السلام - البته در سایه راهنمایی‌های فقهای بی‌هوس و دین‌شناسان متدین - می‌تواند راهگشا باشد.

ب) عبودیت الهی

منتهای اطاعت از امام، رسیدن به مقام عبودیت حضرت رحمان است که از طریق اطاعت خلیفه الرحمان صورت می‌گیرد. قرآن کریم هدف از آفرینش انس و جن را عبادت و بندگی در برابر ذات باری تعالی معرفی می‌فرماید (ذاریات، ۵۶). گرفتاری انسان در مسائل مادی زندگی و وجود ظلم و ستم غالباً مانع رشد و تکامل معنوی انسان می‌شود. از این رو، هدف اصلی قیام امام زمان علیه السلام از تشکیل حکومت عادلانه، ایجاد بستر مناسب برای بندگی و عبادت است؛ همچنان که قرآن کریم این هدف والا را مورد تأکید قرار می‌دهد (نور، ۵۵). با دقت در آیه فوق می‌توان دریافت که همه موارد پیشین، مقدمه‌ای برای عبودیت الهی، نفی هرگونه شرک از روی زمین و از زندگی انسان‌ها و فراهم کردن بسترهای لازم برای عبادت فردی و جمعی است. عبودیت فراتر و بالاتر از عبادت است؛ زیرا عبادت غالباً شامل یک سری اعمال ظاهری است که می‌تواند به ریا آلوده شده و به شرک تبدیل شود. اما عبودیت، یعنی این که انسان در تمام شئون زندگی خود جز خدا نبیند و جز برای پیروی از دستورات او عمل نکند؛ وجود خود را مملکت پروردگار سبحان قرار دهد و آن را از تسلط سلطه‌گران درونی و بیرونی رها سازد.

هدف از قیام امام زمان علیه السلام و تربیت در مکتب انتظار، پرورش انسان‌هایی است که از دام نفس خود و دیگران رهیده‌اند و دل به مهر خدای سبحان سپرده‌اند و در تمام ابعاد زندگی خویش سرسپرده مطلق او هستند. عبودیت در برابر خداوند، عهدی است که او در روز ازل و هنگام آفرینش انسان، با فرزند آدم بسته است؛ چنان که در آیات ۶۰ و ۶۱ سوره یس آمده، تجلی این عهد، ولایت است؛ یعنی انسان با خدا پیمان بسته که جز ولایت خدا را نپذیرد و ولایت احدی را در طول و عرض ولایت خدا قرار ندهد. البته پذیرش ولایت حضرات معصومین علیهم السلام از آن جهت که آنان مظهر اسماء الهی هستند، در حقیقت همان پذیرش ولایت الهی است.

خواسته امام زمان علیه السلام از شیعیان و منتظران راستین، پای بندی و وفاداری به همان عهد دیرین است. ایشان می‌فرماید:

اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به اطاعت خویش موفق گرداند - در وفای به عهد الهی، هم‌دل و هم‌پیمان می‌شدند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد.
(مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ۱۷۷)

بنابراین یکی از اهداف مهم انتظار، تجدید عهد انسان با خداوند و وفای به عهد و رسیدن به مقام شامخ عبودیت الهی است؛ یعنی انتظار، مکتب تربیت بنده خداست. عصر ظهور،

دوران شکوفایی بُعد عبادی انسان و سرسپردگی او در مقابل خدای سبحان و قرارگرفتن انسان در مقام عبودیت رحمان است.

رسول خدا ﷺ فرمود:

أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ... يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَيَسَعُهُمْ عَدْلُهُ؛ (طوسی، ۱۴۱: ۱۷۹)
بشارت باد به آمدن مهدی... او دل‌های بندگان را با عبادت و اطاعت پر می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد.

در دوران حکومت امام زمان طومار هر نوع شرکی درهم پیچیده می‌شود و بت‌های ظاهر و باطن فرو می‌ریزد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

فَلَا يَنْبَغِي فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَمِّمٍ وَوَتْنٍ وَغَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ. (صدوق، ۱۳۸۶: ج ۱، ۶۰۵)

از این رو بالاترین هدف نظام تربیتی انتظار، معرفت الهی و نیل به مقام عبودیت و بندگی است. یکی از راه‌های نیل به مقام عبودیت خدا - که خود جزو اهداف غایی تربیت در مکتب اسلام و انتظار به شمار می‌رود - رعایت تقوای الهی است. تقوا از ماده «وقی» به معنای حفظ شیء از هر چیزی است که به آن آسیب می‌رساند (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲). بنابراین تقوا در حقیقت صیانت از روح الهی و حیات عقلی و انسانی است که امانت خاص خداست و انسان برای توفیق در این صیانت نیازمند کنترل درونی است. تقوا، خزیدن در کنج خانه و پرهیز از فعالیت‌های اجتماعی نیست، بلکه ایجاد نیرویی درونی در خود است که انسان به عنوان موجودی اجتماعی، ضمن حضور فعال در جامعه و حفظ خود از عثرات و لغزش‌ها به مبارزه با انحراف‌های جامعه نیز پردازد. آیه ۱۰۵ سوره مائده بر تقوای حضور تأکید می‌کند؛ یعنی اگر انسان، کنترل درونی را در خود ایجاد کرده باشد، قرارگرفتن در متن جریان‌های فاسد آسیمی به او نخواهد رسانید و انسان تحت تأثیر امواج منفی محیطی نخواهد بود. تقوای حضور در رویارویی انسان با جاذبه‌ها و کشش‌ها نمود پیدا می‌کند و سبب پویایی و رشد و بالندگی فرد و جامعه می‌شود. البته همواره پرهیز از حضور در مکان‌ها و مواضع گناه و فساد توصیه می‌شود، اما در صورت حضور انسان در جامعه‌ای فسادآلود و نداشتن شرایط امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح شرایط، تنها وظیفه او تقویت کنترل درونی است تا در فساد محیط حل نشود.

بنابراین یکی از اهداف تربیتی مکتب انتظار، پرورش تقوای الهی در جان منتظران و مؤمنان به امامت حضرت ولی عصر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۴۰)

هرکس شادمان می شود به این که از یاران حضرت قائم باشد، باید منتظر ظهور او باشد و بر پایه تقوا و خوش خلقی رفتار کند، در حالی که منتظر است.

در دوران غیبت و آخرالزمان، گروه های انحرافی و فتنه های آخرالزمان در تلاشند تا با عناوین جذابی همچون ارتباط و اتصال با امام زمان علیه السلام و ایجاد توهم معیت، انتظار را از روح سازنده آن خالی کنند و مشتاقان را آرام آرام از اصول اعتقادی خود دور کرده و از انتظار، برای اهداف سکولاری خود پوششی بسازند. دوران غیبت، دوران رویارویی با فتنه ها و شبهات است و انسان منتظر، به نوعی در متن جریان های فاسد و دشوار و چالش برانگیز قرار می گیرد و با توجه به ویژگی های دوران معاصر و گستردگی عرصه ارتباطات و نفوذ رسانه ها و شبکه های ارتباطی در زندگی انسان امروزی، می توان گفت قرار گرفتن در شرایط پرهیز و قرنطینه ای ناممکن به نظر می رسد و لازم است منتظران راستین با آراستگی به تقوا در جامعه حضوری فعال و سازنده داشته باشند و در سایه بصیرت حاصل از تقوا، رسالت پیامبرگونه خود در زمینه ارشاد و تربیت افراد و اصلاح اجتماع را به انجام رسانند؛ همچنان که انبیای الهی پس از تجهیز به سلاح تقوا اقدام به تربیت افراد و اصلاح جامعه می کردند. در چنین شرایطی است که مؤمنان و منتظران، نیازمند مذاقه بیشتر در تقوای پیشگی خود هستند تا بتوانند در برابر امواج و جریانات متعدد مقاومت نمایند و بار سنگین انتظار را با پرهیزکاری به سرمنزل مقصود برسانند.

ج) تحقق و وحدت خویشتن

چنان که گفته شد، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» روشن است مرگ جاهلی نتیجه و عصاره حیات جاهلی است. بنابراین از جمله اهداف تربیتی انتظار شیعی که با معرفت امام عصر علیه السلام همراه است، نجات آدمی از حیات و مرگ جاهلی و بخشیدن رنگ و صبغه عقلانی به حیات و ممت اوست. جهل و عقل هر کدام مراتب و درجاتی دارند و جاهلیت مورد نظر در حدیث مذکور، مربوط به حقیقت جهل است. جهل نقطه مقابل علم نیست، بلکه نقطه مقابل عقل است و مراد از زندگی جاهلانه، زندگی به دور از فناوری و علوم کتابی و حصولی بشری و رفاه زندگی مادی نیست؛ زیرا در طول تاریخ اقوام بزرگی با دارا بودن این عناصر به فلاکت و عذاب الهی دچار شدند و قرآن کریم از زندگی آن ها با عنوان جاهلی یاد می کند. حقیقت حیات جاهلی، حرکت در مسیر مخالف یا انحراف از مسیری است که انسان را به هدف خلقتش سوق می دهد که همان

مسیر معرفت و عبودیت خداست و با توجه به فرمایش رسول خدا ﷺ حیات عقلانی - یعنی شناخت و بندگی خدا - جز در پرتو معرفت و در نتیجه اطاعت از امام عصر ﷺ حاصل نمی‌شود. عقل در دو سطح شناخت و عمل مطرح است؛ عقل‌ورزی در مقام شناخت، یعنی انسان فعالیت‌های شناختی خود را به گونه‌ای ضبط و کنترل کند که از کج‌روی در اندیشه مصون بماند. عوامل مؤثر در این زمینه عبارتند از: ارزیابی ادله (آل عمران: ۶۵)؛ برخورداری از علم (عنکبوت: ۴۳) و کنترل حب و بغض (بقره: ۱۷۰)، و در مقام عمل، یعنی عمل خود را تحت انقیاد علم خویش در آوردن. پس می‌توان بین علم و عقل رابطه‌ای برقرار کرد (باقری، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۱ - ۲۶).

در تعالیم اسلامی، عقل انسان با توجه به محدودیت‌ها و ظرفیت خاص خود مورد توجه قرار می‌گیرد و از همین رو عقل را از گام گذاشتن به پشت پرده مجهولاتی که ظرفیت درک آن‌ها را ندارد نهی می‌فرماید (قطب، ۱۳۷۵: ۹۶). امام باقر علیه السلام درباره روند رشد اندیشه و تعقل در نظام تربیتی مهدوی می‌فرمایند:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَحَّ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛
(کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۲۵)

چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمت بر سر بندگان نهد تا در تعقل هماهنگ شوند و آرمان‌های آن‌ها کامل گردد.

از جمله اهداف بزرگ مکتب انتظار به تأسی از حکومت مهدوی، پرورش و تقویت عقول انسانی و کسب علم و دانش است تا منتظران با صعود به قله معرفت و عقلانیت بتوانند در هدایت افراد متفکر به سمت آرمان‌های حکومت مهدوی کوشا باشند. البته عقلانیت مورد نظر در مکتب انتظار، بنابه فرمایش امام صادق علیه السلام در باب چیستی عقل: «مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اِكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۱۶) عقل ولایی است که انسان را به مظاهر اسماء الهی و مبدأ وجود می‌پیوندد و با عقل استقلالی مدرنیته که عقل انسانی را قادر به حل تمام معضلات فردی و اجتماعی و بی‌نیاز از وحی و خدا می‌داند، بسیار متفاوت و در حقیقت متباین است. هرکس عقل را با توجه به محدودیت‌ها و ظرفیت‌های خاص آن شناخته و عقلانیت را در قلمرو وجودی خویش حاکم سازد، گوهر وجود خود را به گناه نمی‌آلاید و متناسب با درجات رشد عقلانی خود، زشتی و تعفن و کراهت گناه را بازشناخته، از ارتکاب آن می‌پرهیزد. از آن‌جا که انسان پرتوی از کمال مطلق و نشأت گرفته از روح رحمانی است، در پرورش ابعاد گوناگون وجود خود مسئولیتی خطیر دارد و موظف است خود را به صفات خداوندی متصف و آراسته

سازد و با خداگونه شدن، به قرب مکانتی الهی نایل آید. از این رو انسان برخوردار از عقلانی ولایی، خود را به صفات عالیه انسانی و اعتقاد و اخلاق نیکو آراسته می‌سازد تا شایستگی مقام خلیفه اللهی را در خود ایجاد کند. از آن جا که صفات و ویژگی‌های نیکو بالفطره در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است، انسان می‌تواند با تلاش و فعالیت، آن فضایل را در وجود خود احیا و تقویت کند و با کسب فضایی همچون حقیقت‌جویی، استکمال، خداخواهی، زیبادوستی، زیباخواهی، احسان به خلق و وجدان بیدار، حیات طیبه‌ای برای خود فراهم آورد و بین خود و انسان کامل پیوندی برقرار نماید. آراستگی به مکارم اخلاق، در تعالیم اسلامی چنان جایگاه رفیعی دارد که نبی مکرم اسلام ﷺ هدف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق و گسترش فضایل اخلاقی در جامعه معرفی می‌فرماید:

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ (همو: ج ۶۸، ۳۸۲)

به راستی که من برگزیده شده‌ام تا مکارم و فضایل اخلاقی را کامل گردانم.

بنابراین، وجود منتظران نیز باید به عالی‌ترین صفات انسانی آراسته گردد تا شایستگی اتصال به عین‌الانسان را پیدا کنند و از زلال وجود او جرعه‌های معرفت و ایمان بگیرند. پس یکی از اهداف مهم انتظار شیعی، آراستن انسان به صفات الهی است. منتظر در عصر انتظار افزون بر سعی در عبادت، تقوا و ورع، باید مظهر اخلاق نیک بوده، هم در جنبه فردی و هم در جنبه اجتماعی متخلّق به اخلاق خدایی گردد و به لحاظ اخلاقی هم‌سنخ حضرت ولی‌عصر باشد تا قابلیت ادراک انوار فیض ناشی از مبادی عالیه را در جان خود بیافریند. البته رسیدن به چنین مقامی قطعاً زحمت و رنج بسیاری به دنبال دارد و مجاهدت عظیمی را می‌طلبد. اما اگر فرد مجاهدت و تلاش وافر به خرج دهد، هدایت و رحمت الهی نیز رفیق راهش خواهد شد (عنکبوت: ۶۹).

آراستگی مؤمنان به امام غایب و منتظران امام قائم به کمالات اخلاقی و سجایای انسانی به لحاظ بازتاب اجتماعی رفتار آنان به عنوان منتظران، بسیار مهم است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا؛ (همو: ج ۶۸، ۲۸۶)

زینت ما باشید، نه زشتی و عار ما.

پرهیز از گناه و آراستگی به مکارم اخلاقی، خود بر تکامل و تعالی عقل انسانی تأثیرگذار است و انسان را در مراتب بالاتر عقلانیت پیش می‌برد. انتظار از آن جهت که با محبت حضرت

ولیعصر و خدای رحمان همراه است در تحول و تکامل ماهوی آدمی تأثیری بسزا دارد و ارتباط عاطفی بین منتظر و محبوب راستین سبب می‌شود انسان از لحاظ ظاهری و باطنی با محبوب خویش همگون و متحد باشد تا بتواند با رهایی از محدودیت‌های عالم ملک، خود را با حقیقت ملکوتی امام عصر پیوند دهد و به غنی‌سازی شخصیت خویش بپردازد. از این رو تمایلات نفسانی خود را تحت انقیاد عقل رام کرده در مسیر صحیح نیل به اهداف الهی از آن‌ها استفاده می‌کند.

مولای متقیان در جنبه نظری «يَعْطِفُ الرَّأْيِ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ» (شریف رضی، ۱۳۷۹: خ ۱۳۸) اندیشه‌ها و نظریات شخصی و امیال را مطابق قرآن، و در جنبه عملی «يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَظَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى» (همو) امیال و هواهای نفسانی را مطابق هدایت می‌گرداند؛ یعنی منتظر به قدری به مولایش نزدیک شود که اگر استراحتی می‌کند، برای تجدید قوا و خدمت‌گزاری بهتر در راستای آرمان‌های حضرت ولی عصر علیه السلام باشد. حضرت علی علیه السلام دربارهٔ میانه‌روی و اعتدال غرایز اصحاب حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

از یاران خود بیعت می‌گیرد که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند... به کم قناعت نمایند، طرفدار پاکی باشند، و ... (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۴۶۹)

تمام مفاد این پیمان‌نامه، حاکی از ارضای معقول غرایز و منقاد کردن آن‌ها تحت فرمان الهی است. غنای شخصیتی زمانی حاصل می‌شود که انسان به همه ابعاد وجودی و نیازهای جسمی و روحی خود توجه کند و رشد و تحول و تکامل ابعاد انسانی به صورت هماهنگ انجام شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ بهبود کیفیت زندگی در زمان حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمُهَدِيِّ علیه السلام نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۸۳)

امت من در زمان مهدی آن چنان به نعمت‌ها (مادی و معنوی) دست می‌یابند که در هیچ زمان این‌گونه نبوده است.

از آن‌جا که انسان کامل اسوه حسنه است، می‌توان با الگوبرداری از آن حضرت به توسعه و غنای شخصیت انسانی دست یافت؛ اما نکته مهم در این میان، وحدت‌بخشی به جنبه‌ها و برنامه‌های رشد و تعالی انسان و هدایت همه آن‌ها به صورت هماهنگ و هدفمند در جهت ولایت‌پذیری و پرهیز از هرگونه تشمت و پراکندگی است؛ زیرا تشمت در پرورش موجب افت و فقر شخصیتی می‌شود که متباین با اهداف کمال‌آفرین انتظار شیعی است. بنابراین یکی از اهداف تربیتی انتظار، توجه به رشد و پرورش تمام ابعاد وجودی انسان با توجه به درجهٔ

شرافت هر بعد است.

د) تنظیم روابط با دیگرانسانها

از جمله اهداف تربیتی انتظار، تبیین و تصحیح علمی و عملی ارتباط با دیگرانسانهاست که با توجه به تعالیم مکتب نبوی و علوی در ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد. در نظام تربیتی انتظار - که هدف آن تحقق اهداف الهی و سیر جامعه به سوی الله است - باید دقت شود در پرتو رعایت حقوق تکوینی افراد و وظایف اجتماعی، ارتباطات سالم و درستی با دیگر افراد جامعه برقرار شود. ارتباط مؤمنان با یکدیگر و ارتباط آنان با سایر مردم، باید بر اساس اصول ارتباط اسلامی و آموزه‌های وحیانی، در نهایت دقت صورت گیرد تا موجب جذب دل‌ها به نظام آرمانی مهدویت گردد. قرآن کریم تعدی از حدود و حقوق الهی را ستم می‌داند (نک: بقره: ۲۲۹).

یکم. ارتباط اجتماعی

آن چه در بعد اجتماعی تربیت مهدوی مورد توجه و دقت قرار می‌گیرد، این است که متری تنها به سبب جو حاکم بر جامعه و اجتماعات مهدوی با آنان هم‌آوا نشود، بلکه با نگاه به فطرت خداجو و آشنا به ولایت و ارتقای کرامت وجودی خود، همراهی با جمع را انتخاب کرده و در فعالیت‌های مجامع مهدوی و معنوی، آگاهانه و مشتاقانه با تمام توان مشارکت کند. در چنین شرایطی کم‌تعداد بودن منتظران در مقایسه با دیگران، برای ادامه تلاش در مسیر انتظار در متری تردیدی ایجاد نخواهد کرد و پرشمار بودن جماعت غیرمعتقد برای او جاذبه و فریبندگی نخواهد داشت؛ زیرا حرکت او برآمده از درون و از هسته مرکزی وجودش است، نه از امری سطحی و صوری. بنابراین شناسایی ارزش‌های جامعه مهدوی و ایمان قلبی به آن‌ها می‌تواند فرد را به شرکت داوطلبانه و مسئولانه در فعالیت‌های مربوط به جوامع کوچک و بزرگ سوق داده و به رعایت حقوق دیگران وادارد.

یکی از عالی‌ترین تجلیات روابط انسانی مبتنی بر نظام مهدوی، احسان و نیکی به مردم است. قرآن کریم احسان و نیکی را امر خدا (نحل: ۹۰) و نیکوکاران را شایسته پاداش عظیم می‌داند (بقره: ۱۱۲). احسان و نیکی در حق افراد جامعه، شکل‌های گوناگونی دارد؛ گاه به رفع نیاز جسمانی و فیزیولوژیکی و فراهم کردن آسایش مادی، گاه با روشنگری و هدایت، و گاه با همدلی و ... در جامعه آرمانی مهدوی به گسترش تفاهم و صمیمیت میان مردم توجه ویژه‌ای صورت می‌گیرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وضع مردم [در دوران ظهور] سامان می‌یابد، میان آنان اتحاد برقرار می‌شود، قلوب

ناسازگار به هم نزدیک می‌شوند و الفت می‌گیرند، خداوند در زمین معصیت نمی‌شود، حدود خداوند در میان بندگان اجرا و برپا می‌شود و خداوند، حق را به اهلش برمی‌گرداند. (صدوق، ۱۳۸۶: ۳۴۶)

امام باقر علیه السلام درباره برقراری ارتباط انسانی و احسان و تعاون خطاب به منتظران می‌فرماید: باید نیرومندان شما به ناتوانان کمک کنند و توانگران به مستمندان برسند. هریک از شما باید چنان که نیک‌خواه خود است، در مقابل برادر دینی خود نیز چنین باشد. ... اگر چنین بودید و بدین‌گونه که سفارش می‌کنیم رفتار کردید، هریک از شما اگر از جهان درگذرد و قائم ما را درک نکرده باشد، شهید به شمار خواهد آمد. (صافی گلپایگانی، ۵۱۲: ۱۴۱۹)

از دیگر از وجوه ارتباط اجتماعی، سازگاری و مخالفت با جامعه است. مکتب تربیتی انتظار با هرگونه سازشکاری مخالف است، اما منتظران به سازگاری با جامعه توصیه می‌شوند. سازگاری یعنی انسان ضمن حفظ ویژگی‌های فردی، درصدد تفاهم و اتحاد با دیگران برآید. اما سازش یعنی تسلیم در برابر جمع و تأیید وضع موجود که مکتب انتظار مخالف آن است و منتظران موظفند ضمن رعایت اصول نقادی و بدون توهین و تعرض به دیگران، ضمن تبیین کاستی‌های وضع موجود در هدایت جامعه به سوی آرمان‌های جامعه مهدوی جدّ بلیغ نمایند.

دوم. ارتباطات اقتصادی

مسائل اقتصادی به‌ویژه امر تولید، توزیع و مصرف، از جمله اموری هستند که باید بر اساس اهداف الهی تنظیم و اجرا شوند. در مکتب اسلام هدف از ارتباط اقتصادی، ثروت‌اندوزی و رسیدن به سود مادی روزافزون نیست، بلکه هدف، فراهم کردن رفاه همگانی و بنیان قوام جامعه بر اساس قوانین الهی و اسلامی و عدالت است تا از فاصله‌های طبقاتی میان مردم تا حد امکان کاسته شود. هدف، واسطه‌ای از روابط و تعاملات اقتصادی، دستیابی به مواسات در اموال و تحقق عملی رفاه عمومی و عدالت اجتماعی است که خود این هدف، فراهم کردن بستر و زمینه‌ای برای نیل به هدف اصلی خلقت یعنی عبودیت و بندگی در برابر خداست. از این‌رو اسلام برای مصرف نیز قواعد و قوانین خاصی را وضع کرده است تا همه مردم بتوانند به دور از افراط و اسراف در سایه روابط اقتصادی سالم، از امکانات و منابع خدادادی بهره‌مند شوند. بنا به فرموده قرآن، افراد مؤمن و صالح، اموال و نعمت‌هایی را که به آنان عطا شده با قرار دادن در سیر الهی، ارزشمند می‌سازند (سبأ: ۳۷).

از جمله آرمان‌های حکومت مهدوی، برقراری عدالت اقتصادی و ایجاد اقتصادی سالم و

الهی در جهان و فراهم کردن زندگی سالم و شاد برای همه مردم است. در نظام مهدوی، فقر و ناداری و نظام طبقاتی جامعه برچیده شده، وحدت و برادری در میان مردم حاکم می‌شود و زندگی مردم سامان می‌یابد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

در زمان حضرت مهدی علیه السلام آن چنان در میان مردم مساوات و برابری برقرار می‌شود که دیگر کسی نیازمند زکات نیست و وضع معیشتی مردم سامان می‌یابد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۳۹۰)

سلامت اقتصادی، افزون بر پاک‌زیستی فردی موجب قانونمندی روابط مالی افراد جامعه و رعایت حقوق دیگران و ایجاد نظم اجتماعی و امنیت روانی می‌گردد. امام زمان علیه السلام در دعای شریف خود، در دو عبارت متوالی «و ظَهَرُ بَطُونِنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ الْبِزْقَةِ» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۰۰) طهارت اقتصادی فردی و جمعی را به منتظران متذکر می‌شود. آن حضرت در این دعا نه تنها توفیق پرهیز از حرام را از خداوند درخواست می‌کند، بلکه توفیق توقف در نزد هر شبهه‌ای را نیز مسئلت می‌نماید. در عبارت بعدی نیز امام علیه السلام برای مؤمنان و جامعه اسلامی، دستانی پاک و به دور از ظلم، خیانت و سرقت که با به‌کارگیری تمام توان خود در اصلاح جامعه و تولید اقتصادی و ایجاد عدالت اقتصادی، زمینه رونق طهارت انسانی و عبودیت الهی را فراهم سازند، آرزو می‌کند.

از جمله اهداف انتظار، ایجاد فعالیت‌های اقتصادی سالم و مشروع است تا زمینه ارتزاق افراد فراهم شود و فرد و جامعه از محصول آن بهره‌مند شوند. همچنین با اهتمام به اقتصاد سالم از رواج مشاغل و مکاسب حرام و ناسالم و کسب درآمدهای حرام و مبهم جلوگیری به عمل آید. تلاش در توسعه اقتصادی به‌ویژه پرداختن به امر تولید مرغوب و مطلوب در سرزمین‌های اسلامی و مصرف تولیدات داخلی، سرزمین‌های اسلامی را از وابستگی اقتصادی به ممالک کفر که به وابستگی یا تأثیرپذیری فرهنگی و سیاسی می‌انجامد رهایی می‌بخشد.

سوم. ارتباط سیاسی

در حقیقت بنیادی‌ترین مبنای حکومت مهدوی، نفی تفکر جدایی دین از سیاست است. بنابراین موضوع حکومت و چگونگی تعامل منتظران با آن، یکی از مهم‌ترین مسائل مکتب مهدویت و انتظار در زمینه مسائل سیاسی به‌شمار می‌آید. از جمله وجوه شاخص نظام مهدوی، جنبه سیاسی و تشکیل حکومت عدل جهانی به دست حضرت حجت است و پیداست که اجرای احکام و برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و قضایی، حقوقی و... نیازمند تشکیلات وسیعی است که تنها در پرتو حکومت اسلامی مقدور است. مثلاً جهاد و دفاع از دین

خدا چگونه بدون فرماندهی رهبری با بصیرت و الهی ممکن است؟ حتی عبادات و احکام فردی نیز در سایه حکومت اسلامی بهتر و صحیح‌تر اجرا می‌شود. آیات و روایاتی که به فرمان برداری از اولیای الهی توصیه فرموده‌اند، هیچ محدوده و قیدی برای زمینه اطاعت مطرح نکرده‌اند. لذا در زمینه سیاسی نیز با توجه به آیات قرآن و روایات وارده به ویژه توصیه حضرت ولی عصر: «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ۱۸۱) وظیفه منتظران در دوران غیبت، مراجعه به ولی فقیه جامع شرایط و پیروی از اوامر اوست. از این رو حکومتی که ولی فقیه جامع شرایط در رأس آن قرار دارد، حکومتی است که منتظران باید در تقویت و تحکیم آن کوشا باشند. مثلاً در جامعه اسلامی ایران، حمایت از نظام و یاری آن برای دستیابی به اهداف بلند درون مرزی و گسترش آن به فراسوی مرزهای جغرافیایی از وظایف منتظران و نشانه‌های انتظار است و به نوعی پیروی از اوامر ولی فقیه در همه مسائل سیاسی و اجتماعی و فردی، تمرینی است برای تبعیت کامل از امام عصر علیه السلام و خط بطلانی است بر تفکر باطل جدایی دین از سیاست. منتظران واقعی به نشانه پیروی از امام زمان خویش، صادقانه خود را مطیع صلاح‌یافته‌ها و اوامر نایب او قرار می‌دهند و مصلحت‌اندیشی‌ها و تشخیص‌های خود را تسلیم و فدای مصلحت‌اندیشی‌های رهبر حکومت اسلامی می‌کنند.

به فرموده قرآن کریم، ایجاد روابط با دیگر ملل و اقوام، انتظار نظام تربیتی اسلامی - مهدوی، دشمنی نکردن و احترام به حقوق مللی که نسبت به اسلام و مسلمین رفتاری خصمانه و تهاجمی ندارند، برای گسترش اسلام و حفظ عزت مسلمین است (ممتحنه: ۸). اما خداوند، ارتباط با ملت‌ها و اقوامی که قصد ستیزه‌جویی و ضربه زدن به اسلام و مسلمین دارند را نفی، و ایجاد ارتباط و تعامل دوستانه با آنان را ظلم معرفی کرده از مسلمانان می‌خواهد با تمام قدرت در برابر آنان بایستند (ممتحنه: ۹). در آیات مختلف، مؤمنان به جنگیدن برای رفع فتنه (بقره: ۱۹۳)، کشتن پیشوایان کفر (توبه: ۱۲) و بسیج همه نیروها برای جنگ با دشمن خدا (انفال: ۶۰) دعوت شده‌اند. این دستور سیاسی - اجتماعی هیچ محدوده زمانی و مکانی ندارد و مردان و زنان مسلمان باید روح حماسی و جهادگری را حفظ کنند و نسل‌های بعدی را با این روحیه تربیت نمایند. جهاد در رکاب حضرت ولی عصر علیه السلام و شهادت در راه آرمان‌های ایشان از آرزوهای بزرگ منتظران است که سحرگهان در عهد خویش با امامشان آن را از خدا می‌طلبند.

در نظام تربیتی و حکومتی حضرت مهدی علیه السلام بر اساس بینش اسلامی و قرآنی، روابط

صحیح و پربازدهی به لحاظ مادی و معنوی در میان افراد بشری در نقاط گوناگون جهان و در میان اقوام و ملل مختلف ایجاد خواهد شد و دوستی و برادری که برآمده از گسترش توحید و یگانه پرستی است در میان مردم جهان رواج پیدا خواهد کرد. در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

يُقَوْمُ قَائِمًا ... ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ؛ (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۰۶)

قائم ما قیام می‌کند ... سپس خداوند همه آنان را بر محور یک امر گرد می‌آورد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَيُرْفَعُ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ۴)

[مهدی منتظر] پراکندگی را از ملت‌ها و ادیان برمی‌دارد.

بنابراین هدف از تعاملات بین‌المللی و سیاسی در مکتب انتظار، کسب عزت و قدرت اسلام و ترویج و اشاعه فرهنگ اسلامی انتظار در سطح جهان است.

چهارم. ارتباطات فرهنگی

اگر برنامه‌های بنیادها و نهادهای فرهنگی جامعه در راستای دستیابی به هدف اصلی جامعه منتظر، یعنی قرب الهی تنظیم و اجرا گردد، فرهنگ حاکم بر جامعه را متحول می‌سازد و در جهت آرمان‌های الهی ارتقا می‌بخشد. برای ارتقای فرهنگی جامعه باید دو اقدام هم‌زمان صورت گیرد: ۱. ایجاد مظاهر فرهنگی متناسب با آرمان‌های جامعه مهدوی؛ ۲. زدودن مظاهر و عوامل فرهنگ فساد و ابتذال. با این دو اقدام می‌توان گرایش‌های افراد را به سمت تمایلات متعالی معطوف کرد. قرآن کریم از جمله اهداف رسالت انبیا علیهم السلام به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را برپایی فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های الهی و پالایش جامعه از فرهنگ و آداب نادرست و انحرافی بیان می‌دارد (اعراف: ۱۵۷). دوران طلایی حکومت مهدوی، عصر گسترش فرهنگ سالم و اسلامی در همه ابعاد و سطوح جامعه و زدودن آداب و رسوم غلط، ناسالم، پیرایه و خرافه است. اساساً انقلاب مهدوی در حقیقت انقلابی فرهنگی است و با تحول آفرینی در فرهنگ جامعه از طریق فرهنگ‌سازی دینی، جامعه را ارتقا می‌بخشد.

يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْكِتَابِ وَاللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ...؛ (عیاشی، ۱۳۶۳: ج ۵۷، ۲)

[مهدی] مردم را به سوی کتاب خدا و سنت پیامبر دعوت می‌کند.

يُظَهِّرُ عَلَى الثَّقَلَيْنِ وَلَا يَتْرُكُ فِي الْأَرْضِ دَمِينًا؛ (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۷۵)

بر ثقلین (انس و جن) پیروز می‌شود و در زمین جایی را بدون کشت و زرع (بیهوده و

عاطل و بی‌ثمر) رها نکند.

از جمله اقدامات امام زمان علیه السلام در دوران حکومت خویش، تغییر ساختارهای معیوب و انحرافی فرهنگی است. از آن جا که عوامل انحراف و موانع رشد انسان‌ها غالباً در ابعاد فرانسائی و انسانی (من الجنة و الناس) و نهادها و ساختارهای فرهنگی - اجتماعی (مسجد ضرار و در شرایط امروزی مطبوعات و رسانه‌ها) شناسایی می‌شود و با توجه به روایات وارده در این باره، به نظر می‌رسد اقدامات حضرت ولی‌عصر در رفع موانع ارتقای فرهنگی و تغییر ساختارهای معیوب در سه بعد فرانسائی، ساختاری و انسانی صورت می‌گیرد. بر اساس روایاتی از امام صادق علیه السلام در بعد فرانسائی، ابلیس در دوران ظهور، سلطه‌ای نخواهد داشت. آن حضرت می‌فرماید:

خداوند تا روز قیام قائم ما به شیطان مهلت داده است. وقتی [قائم قیام می‌کند و] به مسجد کوفه می‌رود در آن هنگام شیطان - در حالی که با زانوان خود راه می‌رود - به آن جا می‌آید و می‌گوید: «ای وای بر من از امروز!» پس حضرت مهدی پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد. (عیاشی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۲۴۳)

از لحاظ ساختاری، با حذف و تغییر ساختارهای ضد فرهنگی و ایده‌های ناسالم و شرک‌آلود، کاستی‌های فرهنگی جامعه را از میان برمی‌دارد، حکمرانان ستم‌پیشه را عزل می‌کند و زمین را از هر نیرنگ پاک می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۱۲۰). در بعد انسانی با حذف یا اصلاح مفسدان و اشرار، مانع اشاعه منکرات و باطل‌گرایی، فساد و فحشا و خشونت در جامعه می‌شود:

تهلك الاشرار و تبقي الاخيار؛ (صافی کلپایگانی، ۱۴۱۹: ج ۴، ۵۹۲)

اشرار و بدان نابود می‌شوند و نیکان و اخیار باقی می‌مانند.

در نظام تربیتی انتظار نیز با پیروی از نظام تربیتی مهدوی، اصلاح فرهنگ جامعه و تصحیح ارتباطات فرهنگی یکی از اهداف مهم به شمار می‌رود. این نظام تربیتی بر آن است تا با پرداختن به ابعاد ساختاری و انسانی، ریشه‌کنی فرهنگ منحط و ایجاد فرهنگ اخلاقی و الهی به فرهنگ‌سازی جامعه همت گمارد. با توجه به درهم‌آمیختگی فرهنگ جوامع اسلامی با فرهنگ کنونی غرب، از جمله اهداف تربیتی مکتب انتظار آن است که منتظران و متریبان را به بینش و بصیرتی برساند که بتوانند با روشن‌اندیشی به تأسی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مواردی از فرهنگ غربی را که جنبه انسانی داشته و تباینی با فطرت، کرامت و حریت انسانی ندارد و

مقبول مکتب اسلام است از موارد منحط و ابتدالی آن، متمایز نماید؛ همچنان که رسول اکرم ﷺ در مواجهه با فرهنگ حاکم بر عربستان آن روز، برخوردی گزینشی داشت و احکام مقبول از آن فرهنگ، به عنوان احکام امضایی، در میان احکام اسلامی دیده می‌شود. این نوع برخورد غیرمتعصبانه، افزون بر تأمین سلامت فرهنگی منتظران، زمینه‌های ترویج فرهنگ مهدوی را نیز فراهم می‌سازد.

هـ) بهره‌وری صحیح از طبیعت

یکی از جنبه‌های برقراری تعامل و ارتباط صحیح با طبیعت، استفاده شایسته و مشروع از مواهب خدادادی طبیعی است. بدون تردید استفاده نادرست از طبیعت و نابود کردن آن، نه تنها موجب هدر رفتن این منابع خدادادی و محرومیت نسل‌های آتی از آن‌ها می‌گردد، بلکه عواقب این برخورد نادرست متوجه خود انسان نیز می‌شود. همچنان که امروزه بسیاری از آلودگی‌های محیط زیست موجب بروز انواع بیماری‌ها برای ساکنان کره زمین شده است. از این رو مکتب اسلام ضمن دعوت به بهره‌مندی صحیح از منابع طبیعی، انسان‌ها را از فساد و تباهی و هرگونه افراط و اسراف پرهیز می‌دهد (بقره: ۶۰). انسان در عصر حکومت مهدوی به چنان بلوغ عقلی و معنوی‌ای دست می‌یابد که حتی تعامل و ارتباطش با طبیعت نیز بر مبنای عدالت و مطابق با قوانین الهی قرار می‌گیرد. امام باقر علیه السلام درباره استفاده مطلوب از طبیعت و آبادانی زمین در عصر نورانی ظهور می‌فرماید:

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُورَ؛ (صدوق، ۱۳۸۶: ج ۱، ۶۰۳)

هیچ جای خرابی در زمین باقی نمی‌ماند، مگر این‌که آباد و بازسازی شود.

نگاه انسان منتظر به طبیعت، نگرش ابزاری نیست، بلکه نگرشی ارتباطی است و منتظران واقعی تنها به دنبال تصرف و تسلط بر طبیعت نیستند، بلکه به سبب رشدی که در مبادی معرفتی، عاطفی و ارادی خویش پیدا کرده‌اند احساس نوعی پیوند و یگانگی با هستی نموده، آرزومند کمال طبیعت و همه موجودات هستند. این ارتباط عمیق در بستر فرهنگ مهدوی حاصل شده، لذا منتظران از همان ابتدا نسبت به طبیعت و چگونگی بهره‌برداری از آن احساس مسئولیت می‌کنند. در زمزمه‌های عاشقانه دعای عهد آمده است: «وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ». اینان اگر از طبیعت بهره‌ای می‌گیرند، برای رسیدن به مقام قرب خداست. از سویی بر مبنای هستی‌شناسی نظام تربیتی انتظار شیعی، همه اجزا و ذرات جهان در سیر به سوی کمال مطلق هستند، اما به جهت سلسله مراتب وجودی، ارتقا و صعود آن‌ها به وسیله واسطه‌هایی

انجام می‌گیرد و انسان یکی از مهم‌ترین واسطه‌هاست. جماد در مسیر کمال خود به نبات و حیوان و انسان ارتقا یافته، از طریق پیوند انسان‌ها با انسان کامل به سمت کمال مطلق نایل می‌شوند. از این رو انفکاک آدمی از مسیر انسانیت و عبودیت سبب خروج مراتب پایین وجود از مسیر کمال خواهد بود. همچنین تضييع نعمت‌ها و اسراف نیز موجب تأخیر و انحراف جماد، نبات و حیوان در سیر کمالی خواهد بود که این خود ظلم بزرگی در حق آنان و مغایر و مباین با آرمان‌های نظام عدالت‌گستر مهدوی به شمار می‌آید که در پی اقامه عدالت آفاقی و انفسی است. بنابراین یکی از اهداف مکتب تربیتی انتظار، تصحیح ارتباط انسان با طبیعت به عنوان آیتی از آیات الهی و ایجاد حس همبستگی با آن است.

نتیجه

فرهنگ انتظار در مفهوم پویا و رویکرد شیعی آن، حالتی آرمانی است که فرد آن را مقصد خود قرار می‌دهد و در حکم فرایندی است که فرد با قرار گرفتن در جریان آن، تکامل ماهوی پیدا کرده و در تکامل و توسعه این فرهنگ می‌کوشد. انتظار در شخص، گرایش دائم به سمت مراتب عالی‌تر ایجاد می‌کند. هدف تربیتی انتظار این است که آدمی را با حقیقت ولایت آشنا و همراه سازد که این آشنایی و متابعت، همان هستی معنوی آدمی را تشکیل می‌دهد و هر فرد بر حسب درک و استعداد خود ارزش‌های والایی را در وجود خود سامان می‌بخشد. انتظار در حقیقت اتصال به مقام ولایت و درک حقیقت وجودی و نیازهای واقعی خویش است که انسان را در مسیر فیض‌گیری مداوم از نور ولایت و واسطه فیض الهی قرار می‌دهد و بدین ترتیب او را در عبور از غرایز به سمت مفاهیم ارزشی و تبعیت ارزش‌های دانی از ارزش‌های عالی یاری می‌رساند. در چنین شرایطی انسان با گذشتن از لذات شخصی و ارزش‌های نسبی و اجتماعی، در عالم ارزش‌های بی‌حد و مرز و فوق‌زندگی محدود و محصور فرد و اجتماع، گام می‌نهد. معرفت امام ضمن توسعه افق‌های شناختی انسان و آماده کردن و ایجاد توانایی در انسان برای نیل به سمت معرفت الهی که غایت علوم و معارف است به سبب درکی که نسبت به ولی خدا در انسان ایجاد می‌کند خود به خود کشش و رغبتی در جان منتظر ایجاد می‌کند و چنان او را واله و شیدای امام عصر^{علیه السلام} و در نهایت و از طریق امام، شیفته مبدأ هستی و مهرآفرین می‌نماید که فرد با همه وجود فقر خود را درک نموده، به تحقق و توسعه و تکمیل وجودی خود احساس نیاز پیدا می‌کند و در مسیر اطاعت از امام قرار می‌گیرد که این اطاعت او را به سمت عبودیت و تقوای الهی سوق می‌دهد. این امر خود انگیزه و نیرویی برای خودافزایی

معرفتی و عاطفی و عملی و همچنین وحدت بخشی به تمام ادراکات و تمایلات را در فرد ایجاد می‌کند. انتظار و تکامل در مسیر آن دیدگاه‌ها و عواطف و هیجانات فرد را نسبت به سایر انسان‌ها و موجودات غیر انسان تحت الشعاع قرار داده موجب ایجاد انعطافی خاص در ادراک و روابط با آن‌ها می‌شود.



منابع

- ابن بابويه، علی بن حسین، الامامة و تبصرة من الحيرة، قم، مدرسة الامام المهدي ﷺ، ۱۴۰۴ ق.
- انصاری، محمد علی، دولت موعود، مشهد، بیان هدایت نور، ۱۳۸۶ ش.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۸ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان: شرح زیارت جامعه کبیره، قم، اسراء، ۱۳۸۴ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی، موجود موعود، قم، اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- حژانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات لألفاظ القرآن، دمشق، دارالعلم، ۱۳۹۲ ش.
- شریف رضی، نهج البلاغة، ترجمه: محمد دشتی، قم، نشر مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
- شکوهی، غلام حسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، سیده المعصومة، ۱۴۱۹ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه: منصور پهلوان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، الغیبة للحجة، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- علی پور، محمد حسن، «حرکت حبی و انسان کامل»، فصل نامه هفت آسمان، ش ۴۲، ۱۳۸۸ ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، العالمية اسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- قطب، محمد، روش تربیتی اسلام، ترجمه: سید محمد مهدی جعفری، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵ ش.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه: علی مؤیدی، قم: نشر معروف، ۱۳۸۷ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، تهران، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- مصباح یزدی، محمد تقی، آفتاب ولایت، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

- خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
- مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، کلیات مفاتیح نوین، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
- موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۳ ش.
- نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم، کتاب النعیمة، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۶۳ ش.

